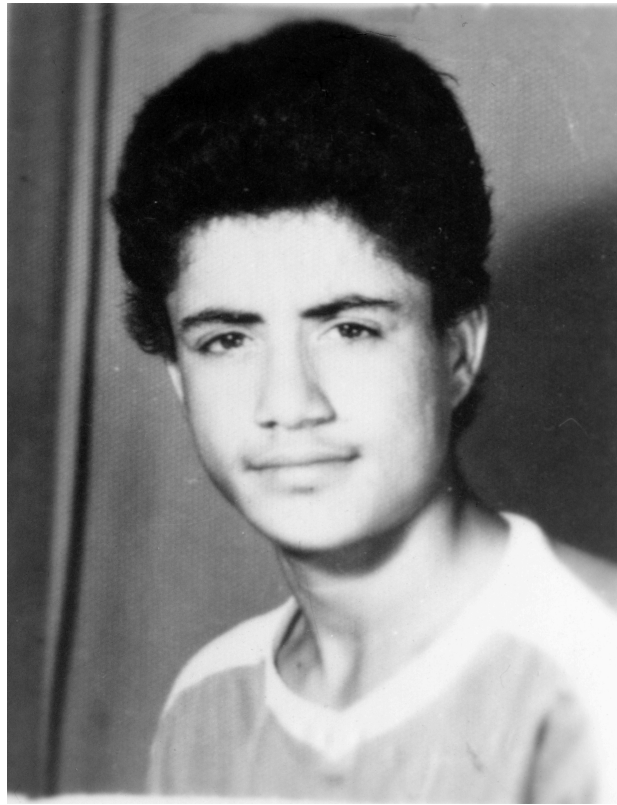


شهید عبدالرضا دهقانی



از بشارت علی
سازمان جامع سرواران و هزارشهمید استان بوشهر

نام پدر	عباس
تاریخ تولد	۱۳۴۹/۰۱/۰۶
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۰/۰۴
محل شهادت	آبادان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	—
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	دهکهنه

زندگینامه

زندگینامه شهید

کوچه ها آکنده از نام شماست !

امام خمینی (ره) هنگامی که در سالهای پیش از انقلاب، از ایشان سؤال شد که، با تکیه بر چه نیرویی به دنبال تغییر رژیم و حفظ نظام آینده هستید؟ با قاطعیت گفت: که سربازان من، یا هنوز متولد نشده اند و یا متولد شده و در گهواره اند. بدون شک یکی از سربازان خمینی کبیر و جوانانی که انقلاب را به پیروزی رسانده و در طی ۸ سال جنگ تحمیلی، اجازه جدایی ذره ای از خاک پاک ایران زمین را به دشمن نداده اند، در سال ۱۳۴۹ در خانواده ای متوسط در شهر شبانکاره دیده به جهان گشود. با توجه به ارادت خانواده ایشان به اهل بیت عصمت و طهارت خصوصا امام هشتم شیعیان، علی ابن موسی الرضا، مانند همه برادران خود که اسامی آنها از این امام بزرگوار گرفته شده بود، نامش را عبدالرضا گذاشتند که به معنی بنده خشنود خدا می باشد. عبدالرضا دوران طفولیت خود را به بازیهای کودکانه در میان همسالان خود سپری کرد. از همان ابتدا برجستگی ها و استعداد های خاصی را از خود نشان می دادند. با ورود ایشان به دنیای درس و تحصیل، در سال ۱۳۵۶ استعداد ذاتی او در یاد گیری دروس، او را در بین همسالان خود ممتاز ساخته بود. در سالهای پایان دوره ابتدایی بود که ایشان فعالیتهای ورزشی خود را با عضویت در باشگاه برق شبانکاره آغاز نمود و در مدت کوتاهی به یکی از محبوبترین ورزشکاران

منطقه تبدیل شد. غیرت و مردانگی ایشان در میان همسالان خود زبانزد خاص و عام بود. شهید دهقانی دوره ابتدایی را در سال ۱۳۶۱ به پایان رساند و وارد دوره راهنمایی گردید. این سالها مصادف با سالهای اوج جنگ تحمیلی در جبهه های حق علیه باطل بود و با درخواست رهبر شهیدان برای حضور نیروهای جوان و بسیجی در جبهه، ایشان تصمیم خود را برای شرکت در این امر الهی گرفتند. ایشان با عضویت در بسیج به جبهه اعزام گردید و به عضویت رزمندگان اسلام در آمد. در تاریخ ۴/۱۰/۱۳۶۵ بود که به آرزوی دیرینه اش که شهادت بود رسید. بدن پاک و مطهرش در تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳۶۵ در زادگاهش تشییع و در بهشت کاظم شهر شبانکاره به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

وصیت نامه شهید

و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام و درود به یگانه منجی عالم بشریت مهدی موعود (عج) و با سلام و درود به امام امت، یگانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و مسلمین جهان و نائب بر حق امام زمان و با سلام و درود به شهیدان اسلام از صدر تا کنون مخصوصاً شهدای جنگ تحمیلی و با سلام و درود به رزمندگان اسلام که حافظان مرز و بوم کشور و نوامیس مسلمین جهان در مقابل تجاوزگران بعثی که ناجوانمردانه به کشور ما تجاوز کردند، هستند با توجه به این که وظیفه هر شخص مسلمان است که وصیت نامه ای بنویسد این بنده حقیر نیز لازم دانستم که چند کلمه ای هر چند ناقابل بنویسم. من از امت شهید پرور می خواهم که خدا را هیچ وقت حتی یک لحظه فراموش نکنند و دیگر اینکه رهبر کبیر انقلاب اسلامی را تنها نگذارند و مبادا کاری کنند که منافقین دوباره رو بگیرند و دست به تجاوزگری در این سرزمین اسلامی بزنند. و باعث شهادت انسانهایی همچون بهشتی، رجایی، باهنر و هزاران هزار تن از برادران دیگر شوند. من از امت شهید پرور می خواهم که جبهه ها را گرم نگه دارند و اسلحه به زمین افتاده شهیدان را بردارند و سنگر خالی آنها را خالی نگذارند. من از دانش آموزان و همکلاسی هایم می خواهم که در شان را بخوانند و سنگر مدرسه را گرم نگه دارند زیرا اگر این سنگرها خالی شود دشمن در بین شما رسوخ می کند و باعث شکست این انقلاب که امید مستضعفان جهان به این انقلاب اسلامی است، می شود. چشم امید مسلمین جهان به این انقلاب و رهبر کبیر انقلاب اسلامی است. من از امت شهید پرور می خواهم که پشت جبهه ها را گرم نگه دارند و کمکهای خود را به جبهه ها بیشتر کنند. من از پدر و برادران و خواهران و تمام اقوام و دوستان می خواهم که مرا ببخشند و به بزرگوار ری خودشان مرا مورد عفو قرار دهند. از پدر، برادرانم و خواهرانم می خواهم که عصر پنجشنبه ها بر سر قبر مادرم رفته و بر سر قبر او فاتحه خوانده و او را فراموش نکنند. من از پدرم مجدداً طلب بخشش می نمایم و می خواهم که مرا کنار مادرم به خاک بسپارند. من از برادران و خواهران و اقوام و دوستانم می خواهم که برای من گریه نکنند زیرا که در راه امام حسین (ع)، علی اکبر و علی اصغر خود را فدا کرده و خون ما که رنگین تر از خون برادران دیگر نیست می خواهم که برای من سیاه نباشند زیرا که من خود این راه را انتخاب کردم و در این راه کشته شدم و خود میدانستم که کشته خواهم شد. من از پدرم و تمام برادران می خواهم که مرا ببخشند و وقتی که می خواهند مرا تدفین کنند چشمانم را باز کنند تا منافقین بدانند که من این راه را کور کورانه انتخاب نکرده ام و دهانم را باز کنید تا به آنها بگویم که عاقبت شما چیزی جز شکست نخواهد بود. دعا برای امام را فراموش نکنید. رزمندگان را فراموش نکنید و من می خواهم که بسیج مستضعفین را خالی نکنید و سلاح شهیدان را به زمین نگذارید.

عبد الرضا دهقان

۲/۱۰/۶۵

خاطرات

خصوصیات شهید :

شهید در کلیه فعالیت های مهم عبادی و معنوی از جمله نماز شب و تلاوت قرآن و دعا و روزه گرفتن و شرکت در مراسم های مذهبی و سوگواری شرکت فعال داشت . در راهپیمایی های آغازین انقلاب و پس از آن شرکت داشت . وی در کلاسهای قرآن شرکت می نمود و از نظر درسی بسیار باهوش و از دانش آموزان ممتاز محسوب می شد . آرزوی او شهادت بود .

شعر

به یاد همسرانی که بی نشان بودند

فرشتگان مهاجر که در جهان بودند

به یاد آن سر و جان دادگان میدان دار

که روز واقعه جانباز و جانفشان بودند

به یاد صدر نشینان مجلس ایثار

که هر کدام علمدار صد یگان بودند

به یاد سرو قدانی که در حریم چمن

به لاله های دل آزرده پاسبان بودند

به یاد سینه زنانی که زیر پرچم نور

به نعره سلسله جنبان کاروان بودند

به تیر مشتریانی که نقد جان کردند

علی الصباح به بازار امتحان بودند

سراینده : ابراهیم اسلام پناه



سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر